گزارش

«جوان» الزامات استفاده از ابزارهای نوین مالی را بررسی می‌کند

مسیر جدید توسعه اقتصادی با مشارکت حداکثری مردم

هدایت منابع مالی خرد مردمی به بازار ثانویه بورس که صرفاً به خریدوفروش سهام موجود می‌پردازد، نمی‌تواند به تحقق اهداف توسعه‌ای کمک کند. برای رسیدن به مدل توسعه‌ای پایدار که مشارکت مردمی را در بازار سرمایه تقویت کند، باید به سمت ایجاد مسیرهای جدید با استفاده از ابزارهای نوین مالی حرکت کنیم. این مسیر جدید باید به گونه‌ای طراحی شود که منابع خرد مردمی را به سمت بخش‌های تولیدی هدایت کند و در عین حال، اطمینان از پرداخت سود مناسب به سرمایه‌گذاران را فراهم آورد. استفاده از ابزار سهام ممتاز و مدل تأمین مالی شرکت سهام عام پروژه که در بازارهای سرمایه بین‌المللی دارای سابقه‌ای طولانی است، می‌تواند در این راستا مؤثر باشد.

با تأکید بر اهمیت تولید داخلی و ملی، رشد تولید می‌تواند به حل بسیاری از مشکلات اقتصادی مانند تورم، بیکاری و ارزش پول ملی کمک کند. این رویکرد که در شعارهای سالانه منعکس شده است، بر این نکته تأکید دارد که جهش تولید تنها با مشارکت فعال مردم ممکن است. همچنین با وجود چالش‌های بزرگ، با مشارکت مردم، این هدف دست‌یافتنی است. باید اقتصاد را به سمتی هدایت کرد که مردم نقش محوری در آن داشته باشند و از ظرفیت‌های موجود در بخش مردمی به نحو احسن استفاده شود. این امر نه تنها به تقویت تولید داخلی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اقتصاد مقاومتی که در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی مقاوم است، منجر خواهد شد.

امکان بهره‌مندی از توان و سرمایه‌های مردمی، به ویژه در شرایطی که کشور با تحریم‌های بین‌المللی روبه‌رو است، می‌تواند به عنوان یک استراتژی مؤثر برای خنثی‌سازی اثرات تحریم‌ها عمل کند. این رویکرد، نه تنها به استقلال اقتصادی کمک می‌کند، بلکه با ایجاد فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، می‌تواند به تقویت بنیه اقتصادی و افزایش تاب‌آوری در برابر فشارهای خارجی منجر شود. در جوامع مدرن، اعتماد مردم به دولت‌ها به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود. اعتماد به دولت نه تنها برای مشارکت مردمی در پروژه‌های توسعه‌ای ضروری است، بلکه برای جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی نیز حیاتی به شمار می‌رود، با این حال در بسیاری از کشورها این اعتماد به دلایل مختلفی دچار خدشه شده است.

برای تحقق پیشرفت اقتصادی و مشارکت گسترده‌تر مردم در اقتصاد، نیازمند بازتعریف مدل‌های تأمین مالی ابرپروژه‌های توسعه‌ای کشور هستیم؛ مدل جدیدی که در چارچوب قانونی «شرکت سهام عام پروژه» با ابزار سهام ممتاز و تضمین حداقل سود تعریف شده است که با بهره‌گیری از روش‌های نوین تأمین مالی و ابزارهای مدرن بازار سرمایه نظیر سهام ممتاز، زمینه‌ساز جذب سرمایه‌های عمومی و خصوصی می‌شود. این مدل نوین، با استفاده از قدرت حاکمیتی و ابزارهای موجود دولتی، می‌تواند به ایجاد تحولی چشمگیر در توسعه اقتصادی و تحقق اقتصادی مردم‌محور در ایران منجر شود، به نحوی که علاوه بر اینکه سهام پروژه به مردم منتقل می‌شود و از تورم مصون خواهد ماند، مردم در هر شرایط اقتصادی رکودی یا تورمی یا همزمان رکودی تورمی سود خواهند کرد.

■ جذب سرمایه‌های خرد با شرکت سهام عام پروژه

حمید بهزادی‌بخش، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به نقش بازار سرمایه در هدایت منابع به سمت تولید و تأمین مالی بخش‌های مولد اقتصادی تصریح کرد: بازار سرمایه به عنوان یکی از اجزای اصلی سیستم مالی کشورها، نقش مهمی در هدایت منابع مالی به سمت بخش‌های مولد و تأمین مالی تولید دارد. این بازار، امکان جمع‌آوری سرمایه از سرمایه‌گذاران و هدایت آن به سمت پروژه‌های تولیدی و تجاری را فراهم می‌آورد. وی افزود: شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از طریق بازار سرمایه می‌توانند با فروش سهام یا انتشار اوراق قرضه، منابع مالی لازم را برای توسعه و گسترش فعالیت‌های خود تأمین کنند. این امر به آنها اجازه می‌دهد بدون وابستگی به تسهیلات بانکی و با کمترین هزینه، سرمایه‌های لازم را جذب کنند. بازار سرمایه با ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری متنوع و جذاب برای سرمایه‌گذاران به توزیع بهینه منابع مالی در اقتصاد کمک می‌کند. این امر به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و در نتیجه، تقویت رشد و توسعه اقتصادی منجر می‌شود.

کارشناس اقتصادی در ادامه با اشاره به چالش‌های بازار سرمایه تصریح کرد: بازار سرمایه برای ایفای نقش خود به طور مؤثر، نیازمند یک محیط پایدار و قابل پیش‌بینی است. نوسانات شدید و عدم‌ثبات اقتصادی می‌تواند بر اعتماد سرمایه‌گذاران تأثیر منفی بگذارد و از کارایی بازار سرمایه بکاهد، بنابراین ایجاد شرایطی که در آن سرمایه‌گذاران بتوانند با اطمینان بیشتری به فعالیت بپردازند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

بهزادی‌بخش در ادامه با اشاره به راهکارهای افزایش اعتماد مردمی تصریح کرد: برای افزایش اعتماد مردم به دولت در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها، دولت‌ها باید به سمت شفافیت بیشتر و افزایش پاسخگویی حرکت کنند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در اعتمادسازی، شفافیت و پاسخگویی ناکافی دولت‌هاست. وقتی مردم احساس می‌کنند اطلاعات کافی در مورد نحوه استفاده از منابع و سرمایه‌های‌شان در دسترس نیست یا اینکه دولت‌ها در پاسخگویی به سؤالات آنها کوتاهی می‌کنند، اعتمادشان کاهش می‌یابد.

وی تصریح کرد: علاوه بر این، تجربیات منفی گذشته، مانند تجربه سال ۱۳۹۹ که ارزش سهام در بازار به طور غیرعادی افزایش یافت، می‌توانند به طور قابل توجهی بر اعتماد عمومی تأثیر بگذارند. این موضوع به ویژه در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی که نیازمند تعهدات طولانی‌مدت هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در آن سال به جای اینکه بر بازار اولیه و عرضه شرکت‌ها و پروژه‌های مهم کشور در بازار سرمایه برای جذب سرمایه‌های خرد مردمی توجه شود، بدون اینکه بستر مناسبی برای این امر تعبیه شود، تنها بازار ثانویه به شکل حباب‌گونه رشد کرد و نتیجه آن ذبح اطمینان مردم و ضرر سنگین بسیاری از مردم کشور در بازار سرمایه شد، در حالی که اگر منابع به سمت رشد اقتصادی و تولید جدید می‌رفت، به هیچ وجه موجب ضرررساندن به مردم نمی‌شد و در عین حال بازار سرمایه به منبع اصلی تأمین مالی تولید تبدیل می‌شد، بنابراین برای تحقق رشد اقتصادی باید از ابزارهای کلیدی، مترقی و نوین بازار سرمایه برای تأمین مالی تولید و به خصوص ابرپروژه‌های اقتصادی دولت استفاده کنیم.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به ویژگی‌های محیط سرمایه‌گذاری پایدار و قابل اعتماد تصریح کرد: هدایت منابع مالی خرد مردمی به بازار ثانویه بورس که صرفاً به خریدوفروش سهام موجود می‌پردازد، نمی‌تواند به تحقق اهداف توسعه‌ای کمک کند. برای رسیدن به یک مدل توسعه‌ای پایدار که مشارکت مردمی را در بازار سرمایه تقویت کند، باید به سمت ایجاد مسیرهای جدید با استفاده از ابزارهای نوین مالی حرکت کنیم. این مسیر جدید باید به گونه‌ای طراحی شود که منابع خرد مردمی را به سمت بخش‌های تولیدی هدایت کند و در عین حال اطمینان از پرداخت سود مناسب به سرمایه‌گذاران را فراهم آورد. استفاده از سهام ممتاز و مدل تأمین مالی شرکت سهام عام پروژه که در بازارهای سرمایه بین‌المللی دارای سابقه‌ای طولانی است، می‌تواند در این راستا مؤثر باشد.

بهزادی‌بخش تأکید کرد: با وجود اینکه این ابزار در ایران کمتر مورد استفاده قرار گرفته است، می‌تواند به عنوان راهکاری نوین برای جذب منابع مالی خرد و همچنین خنثی‌سازی اثرات تورمی در اقتصاد کشور عمل کند. در شرایطی که ایران با تورم ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند، به‌کارگیری سهام ممتاز می‌تواند به عنوان یک ابتکار جدید برای تأمین مالی مؤثرتر و کم‌ریسک‌تر عمل کند. وی در پایان افزود: این مدل جدید، حتی در شرایط رکود اقتصادی قادر خواهد بود سود بیشتری نسبت به سودهای بانکی به سرمایه‌گذاران پرداخت کند و در عین حال به دولت کمک می‌کند نقدینگی موجود در جامعه را به سمت بخش‌های مولد اقتصاد هدایت کند.

رضا دهشیری | جوان

آسیب‌شناسی تبعات اقتصاد پولی و به حاشیه رفتن تولید

تورم در ایران چرا آرام نمی‌گیرد؟

سود دلال در این جامعه از سود تولیدکننده بیشتر است و همین مسئله تولیدکننده را از تولید باز می‌دارد

تحلیل
میثم رستمی*

چرا تورم در ایران آرام نمی‌گیرد؟ این سؤالی است که در اوقات خستگی و فراغت مانند تیری از کمان رها می‌شود و ذهن‌ها را نشانه می‌گیرد. آیا معضل تورم بالا در ایران حل خواهد شد؟ چرا با وجود تلاش‌های قابل تحسین دولت در مهار تورم (و البته گاهی غیرقابل تحسین و گاهی اساساً تلاشی نیست که تحسین یا تقبیح شود) هنوز اوضاع به سامان نرسیده است و مردم با شهود تجربی خود، حضور این چغر بد بدن (تورم) را در زندگی خود احساس می‌کنند؟

■■■

با وجود مهار نسبی رشد نقدینگی و رشد پایه پولی در دولت فعلی و کاهش آن- هر چند با وضع مطلوب فاصله دارد- باز هم نتایج دلپذیری که برای مردم محسوس باشد، حاصل نشده است. چه تحلیلی در این باره می‌توان داشت؟ اولین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که اثر کنترل نقدینگی فعلی اگر ادامه‌دار باشد، در سال‌های آینده ملموس‌تر خواهد شد و مهم‌تر آنکه اگر با همان سرعت قبلی این رشد ادامه می‌یافت، اوضاع قیمت‌ها بسیار بدتر از چیزی می‌شد که در حال حاضر شاهد آن هستیم، اما باید کمی ریشه‌ای‌تر به این مسئله پرداخت و به همین مقدار دلخوش نبود که ما وارد ابر تورم نشده‌ایم.

مهم‌ترین مشکل اقتصاد فعلی کشور ما این است که تبدیل به یک اقتصاد پولی شده و از اقتصاد واقعی فاصله گرفته است. بگذارید توضیح بدهم و به سادگی از این موضوع عبور نکنم. منظورم از اقتصاد پولی این است که مناسبات اقتصادی در ایران باعث شده است سفته‌بازی یا به تعبیر عامیانه دلالی- خریدن به قیمت کمتر و فروش به قیمت بیشتر- سودآوری خوبی داشته باشد. اگر فردی یک‌میلیارد پول داشته باشد، با توجه به انتظار و پیش‌بینی نسبت به وضعیت تورمی آینده، ترجیح می‌دهد این پول را تبدیل به سکه، دلار، زمین و اموری از این دست کند و آن را به کنار بگذارد تا بعد از بالا رفتن قیمت‌ها مجدداً آنها را بفروشد و کسب سود کند. حال اگر او بخواهد همین پول را وارد اقتصاد حقیقی یعنی تولید کند، متوجه می‌شود نخست نیاز به تخصصی نسبی دارد و دوم اینکه ریسک بالایی دارد و ممکن است تولید او به سودآوری نرسد یا در مراحل میانی کار، مشکلات عدیده‌ای برای او پیش بیاید که مانع رسیدن به مرحله تولید نهایی شود و سوم اینکه سود انتظاری از این تولید نیز در مقایسه با سفته‌بازی، پایین ارزیابی می‌شود. در چنین حالتی مسیر طبیعی اقتصاد او را به سمت خرید سکه یا دلار هدایت می‌کند.

نتیجه مسیر بالا، اقتصاد پولی است؛ پولی که قرار بود صرفاً وسیله مبادله باشد و نقش واسطه‌گری میان کالاها را داشته باشد، خود به هدفی مهم در اقتصاد تبدیل می‌شود و می‌تواند ارزش افزوده‌ای فراتر از کالا ایجاد کند، با کمترین زحمت و با سودآوری بالا یا قابل قبول. به راستی اگر می‌شود با خریدن دلار در یک روز، سودی معادل تقریبی درآمد یک ماه به دست آورد، چرا باید ایجاد صف طولانی خریدن دلار برای‌مان تعجب داشته باشد؟ نتیجه بدتر چنین اقتصادی این است که تولیدکنندگان نیز به این نتیجه می‌رسند یا تولید خود را تعطیل کنند و به خریدن زمین، سکه و ارز روی بیاورند یا اگر چنین چیزی به هر دلیلی ممکن نیست، لااقل بخشی از سرمایه خود را به صورت دلار، سکه و زمین نگهداری کنند. پس تولید رفته‌رفته کمتر و اقتصاد واقعی روزبه‌روز نحیف‌تر می‌شود و اقتصاد پولی همچون انگلی از باقیمانده خون تولید می‌مکد تا آن را بخشکاند. کم‌کم همه در این اقتصاد می‌فهمند که بهتر است تریدر باشند تا تولیدکننده؛ امروز چیزی را بخرند و فردای آن بفروشند. سود دلال در این جامعه از سود تولیدکننده بیشتر است و همین مسئله تولیدکننده را ترغیب می‌کند وارد فضای سوداگری شود و از تولید دست بکشد.

حالا فرض کنیم در چنین شرایطی با کاهش تولید، دولت بخواهد به مردم خدمت کند و برای رفاه حال آنان، دست به واردات بزند تا قیمت‌ها بیش از پیش افزایش نیابد. سوداگران چشم طمع به این واردات می‌دوزند تا بتوانند آبی گل‌آلود و با ورود پول، نقدینگی و دلالی از این قسمت نیز بدون زحمتی کسب سود کنند و بدتر آنکه تولید نحیف داخلی از این واردات هم ضربه می‌خورد و لاغرتر و لاغرتر می‌شود.

به سوی دیگر ماجرا برویم. به طور طبیعی چون دولت سرعت رشد نقدینگی را کنترل کرده است، به نظر می‌رسد نقدینگی کافی برای تولیدکنندگان در جامعه وجود ندارد و در نتیجه تولیدکنندگان تقاضای نقدینگی دارند تا بتوانند دستمزد کارگران را بدهند و خط تولید را سر زنده نگه دارند. در چنین شرایطی فرض کنیم، دولت بخواهد برای حمایت از تولید داخلی، به تولیدکنندگان وام دهد تا آنها به حیات اقتصادی خود ادامه دهند. حالا با دادن این وام همه خیال‌شان راحت است که تولید ضربه نمی‌خورد، اما سؤال این است، با وجود اقتصاد پولی آیا تولیدکننده همه وام را به خط تولید می‌برد یا وسوسه می‌شود بخشی از آن را به سکه، زمین و ارز تبدیل کند؟ عقلانیت اقتصادی او در چنین شرایطی چه دستوری به او می‌دهد؟ به علاوه مگر این تولیدکننده قبلاً بخشی از نقدینگی خود را به دارایی‌های غیرمولد تبدیل نکرده بود؟ اگر به دنبال رونق تولید بود، چرا آن دارایی‌ها را تبدیل به سرمایه نکرده و به دنبال وام آمده است؟

پس حتی در چنین شرایطی، وام‌های تولیدی نیز به سرمنزل مقصود نمی‌رسند و به بازار پولی و سفته‌بازی دامن می‌زنند. حالا برگردیم به اصل ماجرا. در چنین شرایط پیچیده‌ای چه باید کرد؟ دولت محترم تمام تلاش خود را برای کاهش عرضه نقدینگی انجام داده یا در حال انجام دادن است، اما کاهش عرضه تا زمانی که طرف تقاضا تغییر نکند، مشکل را حل نمی‌کند. اگر عرضه پول کاهش یابد، ولی همچنان تقاضای پول برای معاملات سوداگرایانه غیرمولد وجود داشته باشد، عطش بازار نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه بیشتر می‌شود. اینجاست که دولت و مجلس باید فکری کنند. چگونه می‌توانند طرف تقاضای پول برای معاملات سوداگرایانه را کنترل کنند و کاهش دهند؟ به زبان ساده‌تر دولت و مجلس باید چه کاری انجام دهند که یک فعال اقتصادی به این نتیجه برسد تزریق پول به بازارهای غیرمولد به سود او نخواهد بود و بهتر است پولش را به سمت تولید ببرد تا سود کند.

دولت و مجلس باید با شیبی ملایم و زمانبندی مناسب، با استفاده از ابزارهای مالیاتی راه را بر اقتصاد سوداگرایانه ببندند. به طور مثال مالیات‌بستن بر خانه‌های سوم به بعد، باعث می‌شود یک فعال اقتصادی دارای سرمایه از فکر خرید خانه‌های بیشتر منصرف شود و بخواهد به سمت سرمایه‌گذاری روی بازار سکه برود، اما می‌بیند در این بازار هم به دلیل قوانین مالیاتی، امکان سود کردن فراتر از فعالیت‌های واقعی اقتصادی وجود ندارد. او وقتی در بازارهای سوداگرایانه می‌چرخد و می‌بیند به فعالیتی پربازده نمی‌رسد، از سرمایه‌گذاری در این زمینه منصرف می‌شود و نتیجه می‌گیرد که بهتر است پولش را در بانک سپرده‌گذاری کند، اما متوجه می‌شود سود بانکی مثل سال‌های گذشته ۳۰درصد و ۴۰درصد نیست و بسیار کمتر از سود فعالیت‌های تولیدی است. تولیدکننده‌ها هم که هوش اقتصادی‌شان به آنها گفته بود زمین و سکه بخرند، کم‌کم با فروش زمین و سکه سرمایه‌ها را به سمت تولید می‌آورند، بدون آنکه نیاز باشد دولت به آنها وام دهد یا وام‌های دولتی را صرف خرید زمین و سکه کنند. تازه معافیت‌های مالیاتی تولید می‌تواند مشوق بیشتری برای حرکت به سمت تولید فراهم کند، البته مشخص است که این مسئله همه ماجرای اقتصاد نیست، اما یکی از مهم‌ترین ماجراهای اقتصاد خواهد بود.

چنین رویکردی از سوی دولت و مجلس، رویکردی منطقی در اقتصاد است. بسیاری از کشورهای پیشرفته با همین روش اقتصاد خود را ساماندهی کرده‌اند. اساساً چنین آزادی اقتصادی در ناحیه سوداگری که در ایران حاکم است، در کمتر کشوری از کشورهای پیشرفته لیبرالیستی جریان دارد و به قول معروف در این زمینه کاتولیک‌تر از پاپ شده‌ایم.

برای حرکت در مسیر بالا چند مسئله ضروری و حیاتی است:

نخست آنکه تیم رسانه‌ای قوی لازم است تا به مردم آگاهی دهد این مسیر در بلندمدت به سود همه خواهد بود، خصوصاً به سود طبقه ضعیف جامعه. مسکن، سکه و ارز از کالاهای تجاری خارج می‌شوند و قدرت خرید افراد افزایش پیدا می‌کند. این نوع مالیات هدفش طبقه‌های ضعیف یا با درآمد متوسط نیست. باید با مردم سخن گفت و حرف زد و آنها را از انتظارات تورمی غیرمنطبق با واقع بازداشت.

دوم و مهم‌تر آنکه باید رنگ مجلس در این دوره، یک رنگ اقتصادی باشد. مجلس باید بداند مهم‌ترین مشکل فعلی کشور ما، اقتصادی است. اگر برآیند کلی مجلس و صدایی که از آن بیرون می‌آید، اقتصادی باشد، آلارم خوبی به مردم و فعالان اقتصادی خواهد داد و ریل‌گذاری اقتصادی کم‌هزینه‌تر خواهد بود. این رویکرد در سخنرانی‌ها و نامگذاری‌های متعدد مقام معظم رهبری نیز مشهود است. اگر هر صدایی غیر از صدای اقتصاد از مجموع فعالیت‌ها و اختلاف‌نظرهای مجلس در کشور طنین‌انداز شود، دستاوردهای مجلس در هیچ زمینه‌ای حتی فرهنگی نیز امیدبخش نخواهد بود.

***پژوهشگر اقتصادی**

گفت‌وگو
بهناز قاسمی

کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»:

شبکه بانکی باید برای اعطای تسهیلات جهش تولید مسکن با مشارکت مردم به‌خط شود

یک کارشناس اقتصادی معتقد است: مهم‌ترین نکته در زمینه ساخت مسکن، امکان مشارکت مستقیم مردم در ساخت مسکن و همچنین به‌کارگیری منابع در دسترس مردم در راستای رفع نیاز اساسی خانوار و همچنین جهش تولید مسکن و به دنبال آن رشد اقتصادی در کشور است. با وجود این چالش اعطای تسهیلات ساخت مسکن برای تأمین مالی ساخت مسکن، عامل اصلی توقف این مشارکت مردمی شده است، بنابراین باید بانک مرکزی به عنوان رگولاتور شبکه بانکی با تکیه بر ابزار کاهش قدرت تسهیلات‌دهی، شبکه بانکی را برای اعطای تسهیلات ساخت مسکن و مشارکت مردم در جهش تولید مسکن به خط کند.

فرید ولدی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با نقش ویژه ساخت مسکن در تحقق شعار سال و جهش تولید کشور گفت: ساخت‌وساز مسکن همواره جزء ضروری رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری بوده است. نه تنها سرپناهی برای افراد و خانواده‌ها فراهم می‌کند، بلکه باعث ایجاد شغل، افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات مختلف و تحریک فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در زمان رکود، ساخت‌وساز مسکن حتی مهم‌تر می‌شود، زیرا می‌تواند به تحریک رشد اقتصادی کمک کند و حمایت بسیار مورد نیاز را برای خانوارهایی که با مشکلات مالی مواجه هستند، فراهم کند.

وی ادامه داد: یکی از چالش‌های اساسی در رکود کنونی عدم‌همکاری شبکه بانکی در ارائه تسهیلات ساخت مسکن است. بانک‌ها نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های مسکن دارند، زیرا سرمایه لازم را برای توسعه‌دهندگان و افراد برای ساخت یا خرید خانه فراهم می‌کنند، با این حال، در زمان رکود اقتصادی، بانک‌ها اغلب ریسک‌گریزتر می‌شوند و تمایلی به وام دادن ندارند که می‌تواند مانع ساخت واحدهای مسکونی جدید شود.

ولدی با اشاره به لزوم ورود بانک مرکزی به مسئله تسهیلات ساخت مسکن گفت: برای رسیدگی به این موضوع، ورود بانک مرکزی و تنظیم شبکه بانکی برای اطمینان از اعطای تسهیلات ساخت مسکن بر اساس قانون مهم است. بانک مرکزی می‌تواند با کاهش موانع وام‌دهی و ایجاد انگیزه برای بانک‌ها برای افزایش وام‌دهی در این بخش، نقش اساسی در تشویق بانک‌ها به اعطای وام‌های بیشتر ساخت مسکن داشته باشد.

این کارشناس اقتصادی در ادامه اظهار کرد: یکی از راه‌های تشویق بانک‌ها برای اعطای تسهیلات بیشتر ساخت مسکن، افزایش سرمایه همراه با اعطای وام است. با افزایش سرمایه بانک‌ها، آنها منابع بیشتری برای وام‌دادن به توسعه‌دهندگان و افرادی که به دنبال ساخت یا خرید خانه هستند، در اختیار خواهند داشت. این امر می‌تواند به افزایش عرضه کلی واحدهای مسکونی در بازار و تحریک رشد اقتصادی کمک کند. از سوی دیگر، رسیدگی به موضوع بانک‌های متخلفی که در اعطای تسهیلات ساخت مسکن همکاری نکرده‌اند، بسیار حیاتی است. این بانک‌ها باید در اعطای وام‌های جدید به ویژه در بخش ساخت‌وساز مسکن با محدودیت‌هایی مواجه شوند تا آنها را تشویق کنند که شیوه‌های وام‌دهی خود را بهبود بخشند و از توسعه پروژه‌های مسکن حمایت کنند.

یادداشت

محمود زارعی | پژوهشگر اقتصادی

الزامات مردمی‌سازی تولید

«افزایش تولید» کلید حل مشکلات اقتصادی و تنها راهکار بهبود شرایط اقتصادی کشور است. در طول دهه ۹۰ به رغم افزایش جمعیت و رشد سرسام‌آور نقدینگی، رشد اقتصادی کشور نزدیک صفر بوده است، در واقع با احتساب قیمت‌های ثابت و پایه عملاً تولید در کشور افزایش پیدا نکرده است. برهم خوردگی تناسب رشد تولید و رشد نقدینگی در این سال‌ها موجب شده است مردم تورم بالای ۴۰درصد را درک و تجربه کنند؛ تورمی که پس از سال‌ها به یک بیماری مزمن در اقتصاد تبدیل شده است؛ موضوعی که در نهایت قدرت خرید مردم را به نسبت اوایل دهه ۹۰ به یک‌سوم کاهش داده و توان اقتصادی خانوارها را تحلیل برده است.

با توجه به جمیع جهات، یعنی رشد جمعیت و چندین برابر شدن نقدینگی، کشور نیازمند جهش تولید و افزایش GDP است، یعنی هم در صنایع، هم در کشاورزی و هم در خدمات نیازمند رشد و جهش در تولید هستیم. رشد تولید را باید از چند مسیر دنبال کرد، نخست افزایش توان تولید صنایع بزرگ و مادر است. استفاده حداکثری از ظرفیت اسمی بنگاه‌های بزرگ که بتوان بخشی از کمبودها را جبران کرد، یک نمونه ساده از اقدامات ضروری است که البته خود نیازمند تدابیر و اتخاذ تصمیماتی است.

دومین اقدام پایدارسازی تولید در صنایع و مشاغل متوسط است، یکی از مشکلات فعلی این بخش در حال حاضر ناتوانی در تأمین پایدار انرژی برای آنهاست. اولین راهکار دولت برای کمبود برق در تابستان و گاز در زمستان قطع برق و گاز صنایع در این ایام است که موجب آسیب و ضربه به تولید خواهد شد.

در نهایت سومین اقدام، رشد، توسعه و گسترش صنایع مشاغل و کارگاه‌های خرد و کوچک است. این سه مرحله باید همزمان و به صورت فعال و پیوسته دنبال شود. بی‌توجهی به هر بخش آسیب‌زاست و می‌تواند برای اقتصاد کشور چالش‌زا باشد.

با توجه به نرخ مشارکت اقتصادی پایین یعنی جمعیت فعال اقتصادی کشور که حدود ۴۱درصد است، اشتغال‌زایی وسیع و جهش تولید نیازمند دقت نظر ویژه در توسعه و گسترش مشاغل و صنایع خرد و کوچک است. آنچه مربوط و مرتبط با مردمی‌سازی تولید است، بخش اول آن توسعه مشاغل، صنایع خرد و کوچک و بخش دوم آن حوزه تأمین مالی جمعی برای تأمین نقدینگی خواهد بود.

در بخش اول، یعنی توسعه مشاغل خرد و کوچک الزاماتی وجود دارد که باید به آنها دقت شود، بدون توجه به این الزامات نمی‌توان در حوزه تولید شاهد جهش و تأثیر چشمگیر بود.

اولین الزام توسعه این بخش از صنایع تولیدی، خدماتی یا کشاورزی توجه به توسعه مهارت حقوقی و مالی کارآفرین‌ها و آشناسازی علاقه‌مندان به کارآفرینی و تولید با اطلاعات و قوانین مالیاتی، تأمین اجتماعی، استاندارد و غیره است. این بخش جزو اولین و پایه‌ای‌ترین الزامات مردمی‌سازی تولید در کشور خواهد بود. برای این کار ایجاد مراکز آموزش و شتاب‌دهنده مشاغل خرد و کوچک ضروری است؛ مراکزی که با هزینه پایین مهارت، دانش و اطلاعات پایه کارآفرینی را به مردم یاد دهد و به این گروه از تولیدات مشاوره‌های لازم را ارائه کند.

الزام دوم ایجاد خوشه‌های صنعتی و تولیدی است. خوشه‌سازی و توسعه زنجیره تأمین محصولات در کشور از صنایع مادر گرفته تا محصولات کاربردی و ریز علاوه بر افزایش ارزش‌افزوده، موجب صرفه‌جویی و حتی ارزآوری در کشور خواهد شد.

الزام بعدی در جهش تولید با استفاده از مردمی‌سازی تولید، توسعه و گسترش شرکت‌های زنجیره تأمین است. شرکت‌های زنجیره تأمین با مدیریت فرایند تولید، توزیع و صادرات محصولات امکان کنترل بازار، بازاریابی خارجی، توسعه محصول، رعایت استانداردها و غیره را در تولیدات خرد و متوسط فراهم می‌سازد. بسیاری از کشورها مانند چین و کره‌جنوبی بر اساس توسعه مدل شرکت‌های زنجیره تأمین توانسته‌اند با فعال‌سازی بخش قابل توجهی از ظرفیت مردمی دستاوردهای بزرگی را کسب کنند.

یکی دیگر از اقدامات و الزامات تحول در آموزش و حرکت به سمت مهارت‌محوری است. نظام آموزشی و تحصیلات تکمیلی در کشور در حال حاضر روی پایه نظری تأکید دارند، در حالی که هم جوانان و هم کشور نیازمند توسعه مهارت هستند. بدون افراد ماهر تولید در کشور صورت نخواهد گرفت، بنابراین در قدم اول الزام مهارت‌افزایی جانبی باید در دستور کار قرار گیرد، یعنی باید هر دانش‌آموز یا دانشجو در کنار تحصیل یک مهارت جانبی مرتبط با رشته تحصیلی را فراگیرد و در مرحله دوم سیستم آموزشی باید در محتوا دچار تحول شود و به سمت مهارت‌محوری سوق پیدا کند.

الزام بعدی حرکت شبکه بانکی به سمت تأمین مالی صنایع و تولیدات کوچک و خرد است. به علت ریسک و جذابیت پایین این گروه از صنایع و خدمات، شبکه بانکی تمایلی به سرمایه‌گذاری در حوزه مشاغل خرد و کوچک ندارد. راهکار این موضوع افزایش جذابیت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در این صنایع است. ارتقای فرایند اعتبارسنجی، ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری و توسعه بیمه‌ها در حوزه این گروه از صنایع و خدمات تولیدی و ارائه گواهی ارزیابی سرمایه‌گذاری، ریسک سرمایه‌گذاری در این صنایع را تا حدودی کاهش خواهد داد و موجب افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در آنها می‌شود. باید دقت داشت که بدون تأمین مالی و نقدینگی بنگاه‌های کوچک و خرد این بخش از صنایع و خدمات یا شکل نمی‌گیرند یا به تولید مطلوب نمی‌رسند یا در نهایت در کوتاه‌مدت زمین خواهند خورد.

یکی دیگر از راهکارهای تأمین مالی مشاغل خارج از فرایند بانک‌ها، تأمین مالی جمعی است، یعنی تأمین سرمایه و نقدینگی تولیدات مردمی از سوی خود مردم که نیازمند طراحی ابزار و راهکار حقوقی است.

آخرین الزام اما توجه به بازار هدف، شناسایی بازار و تسهیل ورود این صنایع و تولیدات در بازارهای داخلی و خارجی است. بدون بازار فروش، تولیدات مردمی در کشور پا نخواهد گرفت و نمی‌توان فرایند مردمی‌سازی تولید را پیش برد. ایجاد بازارهای محلی و بازارچه‌های مرزی و افزایش تعداد رایزن‌های اقتصادی و الزام آنها به معرفی محصولات مردمی با تمرکز بر صنایع خلاق و هنری در کشورهای دیگر از جمله اقدامات مؤثری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع باید دقت داشت که جهش تولید و مردمی‌سازی آن در کشور نیازمند اقدامات چندجانبه است که باید مورد توجه باشد و پیگیری شود.

آگهی دعوت به برگزاری مجمع عمومی مؤسس انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های تعمیرات و نگهداری تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی

اولین مجمع عمومی انجمن صنفی مذکور، رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ در محل شیراز به نشانی خیابان قصردشت خیابان شهید بهشتی (خلدبرین)، کوچه یک، پلاک ۱۷ برگزار می‌گردد. از کلیه متقاضیان عضویت دعوت می‌شود در جلسه مذکور شرکت نمایند.

دستور جلسه: - تصویب اساسنامه - انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره و بازرسان - انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های کانون

هیأت مؤسس: ۱- شرکت پتروصنعت جنوب ۲- شرکت پتروفک خاورمیانه ۳- شرکت پتروپارسیان صنعت جنوب

Javanonline.ir